



بررسی نقش ادبیات (داستان و شعر) در تثبیت هویت کودکان ایرانی

معصومه نورانی

مدیرمربی پیش دبستانی فضیلت ناحیه یک آموزش و پرورش شهر اهواز

آدرس پست الکترونیکی: norani.n68@gmail.com

چکیده

هدف کلی این تحقیق بررسی نقش ادبیات (داستان و شعر) در تثبیت هویت کودکان ایرانی می باشد. یکی از موضوع های پایه ای، دنیای مدرن مسئله ی هویت است. موجودیت هر انسانی به طرز تلقی او از خود وابسته است؛ علاقه و پیوند فرد به جامعه، فرهنگ و تاریخ خود، نوع نگرش و تلقی او را از خویش رقم می زند. ارزشها، فرهنگ، تاریخ و دین و در مجموع هویت ملی و دینی، وسیله ی همبستگی اجتماعی هستند، و انتقال این ارزشها باعث پیوند فرهنگی می گردد. ادبیات آینه ی تمام نمای فرهنگ یک ملت است که در آن شخصیت فردی، اجتماعی و فرهنگ یک قوم منعکس می شود. روش انجام این پژوهش، مطالعه اسنادی می باشد. نتایج این پژوهش به طور کلی نشان می دهد که ادبیات (قصه و شعر) در شکل گیری و تثبیت هویت ملی کودکان نقش مهمی دارد. هویت ملی و دینی به عنوان یک عنصر مهم در شخصیت بخشی به کودکان می باشد، باید از ظرفیت های داستان ها و شعرها در این امر کمک گرفت. برای پرورش دیدگاه تاریخی، فرهنگی، سیاسی و اجتماعی، می توان از مهارت ها و وسایل مختلفی استفاده نمود که بخشی از این تربیت پذیری از راه القای مستقیم یا غیرمستقیم مانند خواندن داستان اتفاق می افتد. به کمک یک داستان یا شعر خوب به راحتی می تواند ابعاد مختلف هویت را به مخاطب بشناسد و او را در جهت یافتن هویت درست یاری نماید.

کلید واژگان: ادبیات، قصه، شعر، هویت ملی، کودکان

مقدمه

دوران کودکی یکی از موثرترین دوران زندگی انسان هاست که بسیاری از روانشناسان و روان تحلیل گران و بزرگان عرصه تعلیم و تربیت معتقدند که شخصیت آدمی در این دوران شکل می گیرد و علاوه بر مراقبت های جسمانی باید به تربیت اجتماعی، عاطفی، ذهنی و روانی آنها پرداخته شود. دوران کودکی نقش حساس و تعیین کننده در زندگی انسان دارد و توجه به این دوران تا آنجاست که اولاً کودکی را روانشناسان و صاحب نظران تعلیم و تربیت غالباً به عنوان برجسته ترین مرحله در تکوین شخصیت انسان دانسته اند؛ دوم اینکه پژوهشگران، وجود تعارضات اختلالات و نابسامانی های روانی در این سنین را عوامل اساسی در بروز مشکلات در سراسر زندگی فرد می دانند، اکثر کودکان و حتی بزرگسالان از امر و نهی و آموزش به شیوه ی مستقیم و به صورت رسمی بیزارند و بیشتر مطالبی را که به شیوه جذاب و نزدیک به شیوه ی فکر کردن آنان است را دوست دارند. یکی از شیوه های یادگیری و به خاطر

سپردن مطالب و همچنین حکمت آموزی از زمانهای قدیم تا به حال قصه گوئی است. در طی گذر زمان قصه‌ها و شیوه‌های قصه-گوئی تغییرات زیادی را پشت سر گذاشته است (دادستان، ۱۳۸۸: ۲۵۸).

موجودیت هر انسانی به طرز تلقی او از خود وابسته است؛ و علاقه و پیوند فرد به جامعه، فرهنگ و تاریخ خود، نوع نگرش و تلقی او را از خویش رقم می‌زند. ارزشها و فرهنگ و تاریخ و دین و در مجموع هویت ملی و دینی، وسیله‌ی همبستگی اجتماعی هستند. و انتقال این ارزشها باعث پیوند فرهنگی می‌گردد. به طور کلی می‌توان گفت که عوامل و ارزش‌های مشترک در طرز تلقی افراد، در ردیف مهمترین عوامل هم بستگی اجتماعی قرار دارند و از عناصر مهم وحدت روحی و روانی اشخاص محسوب می‌شوند. امروزه جهانی شدن به سرعت در روند نگرش افراد به هویت ملی و دینی آنان تاثیر می‌گذارد. توسعه فناوری، اطلاعات و ارتباطات الکترونیکی از عواملی است که سبب نزدیکی افراد جامعه و شناخت از نوع بینش و تمدن و فرهنگ یکدیگر می‌شود. ادبیات آینه‌ی تمام‌نمای فرهنگ یک ملت است که در آن شخصیت فردی، اجتماعی و فرهنگ یک قوم منعکس می‌شود؛ و ادبیات کودکان و نوجوانان، حاصل تلاش هنرمندان‌ای است که در قالب کلام عرضه می‌گردد و با زبان و شیوه‌ی مناسب و در خور فهم کودک و نوجوان، او را به سوی رشد هدایت می‌کند (مرآتی، ۱۳۸۹).

قصه‌گوئی به عنوان روشی غیر مستقیم و با ارایه چارچوبی برای آموزش و ارتقا خودفهمی، کارایی و وحدت دادن به تجارب در سلامت کودکان نقش موثری دارد. با کمک گرفتن از روش قصه‌گوئی می‌توان تغییرات شگرفی در زمینه یادگیری، سواد آموزی و خلاقیت و شکل‌گیری هویت کودکان ایجاد کرد. (رایموند^۱، ۲۰۰۸). قصه باید تخیل کودکان را تقویت کرده و آنان را در فهم مسایل یاری برساند. قصه عموماً باید پایان خوشی داشته باشد، نسبت به زمان و مکانی که قصه در آن اتفاق می‌افتد، ساکنان آن منطقه، فرهنگ، آداب و رسوم آنان آگاهی‌های مطلوبی در اختیار کودکان قرار دهد. موضوع قصه نیز باید به گونه‌ای باشد که ضمن وجود پیوستگی‌های لازم میان عناصر داستانی، ویژگی‌های فرعی قصه، فکر اصلی و هدف اساسی آن را تحت الشعاع قرار ندهد. هم‌چنان که قصه نباید به مبالغه بیش از حد در زمینه دشواری‌ها، اندوه شدید و بیش از اندازه بپردازد. گستردگی قصه و محتوای آن نباید فراتر از درک و دریافت عقلی کودکان باشد. بدیهی است هرگاه در قصه‌ای در این زمینه‌ها، نکته و مطلب یا فرجام نامناسبی وجود داشته باشد، والدین یا مربیان می‌توانند به تغییر آن مبادرت ورزند یا از کودکان بخواهند که خودشان آن بخش‌ها یا پایان قصه را بسازند و تصویر کنند. هم‌چنین محتوای قصه باید در بردارنده مسایل مورد توجه و علاقه کودکان و مبتنی بر تجربه‌های روزانه آنان باشد. به همین گونه محتوای قصه نباید آموزه‌های اسلامی را نفی کند و سرانجام محتوای یک قصه مناسب برای کودکان باید چنان باشد که آنان را به پرسش و بحث و کنجکاوی و اندیشه‌وادار و تنها به شکل یک خطابه و سخن رانی ارائه نشود. شخصیت در قصه‌ها نقش مهمی را برای کودکان بازی می‌کنند. در واقع کودکان با شخصیت‌ها همراه و به آنان شبیه می‌شوند و از رفتارشان الگو می‌گیرند. هم‌از این روی باید به هنگام گزینش قصه با دقت به جنبه‌ها و ابعاد گوناگون شخصیت‌های قصه توجه داشت.

خودت را بشناس، مفهوم هویت را بیان می‌کند و مهم‌ترین دغدغه‌ی انسان عصر نو به حساب می‌آید به گونه‌ای که امروز آنچنان برجستگی یافته است، به ویژه در نظریه‌ها و پژوهش‌های روان‌شناسی اجتماعی دارای جایگاه محوری شده است (ذاکری و شمشیری، ۱۳۹۴).

¹-Raymond



ضرورت بحث از هویت، در این است که داشتن تعریفی از خود، نخستین گام، نه تنها در ایفای نقش، بلکه از مقدمات انسان بودن است. از ابتدای ظهور بر کره ی خاکی، انسان مرتب از کیستی و چیستی خود پرسیده است. اگر تکلیف مقوله ی هویت، در میان یک گروه و یا یک ملت روشن باشد و درباره ی گستره ی آن، اجماع نظری کلی به دست آید. تک تک افراد، احساس اعتماد به نفس می کنند و سپس جامعه و گروه به طور کلی جهت و هدف خود را مشخص می بینند (رجایی، ۱۳۸۵). اهمیت و نقش هویت و ابعاد مختلف آن به حدی است که برخی صاحب نظران تلاش انسان را برای کسب هویت مستقل را اولین و مهم ترین ضروریات انسانی و اجتماعی می دانند و کمتر اندیشمندی در این واقعیت تردید دارد (تاجیک، ۱۳۸۴). مهم ترین نوع از انواع هویت، هویت ملی است زیرا نقش تعیین کننده ای در حوزه فرهنگ، اجتماع، سیاست و اقتصاد دارد؛ به بیان دیگر، هویت ملی فراگیرترین و در عین حال مشروع ترین سطح هویت در تمامی نظام های اجتماعی- جدای از تفکرات ایدئولوژیکی می باشد. هویت دینی در واقع همان شخصیت دینی است که مورد آگاهی درونی قرار گرفته است و به تعبیری احساس شخصیت دینی را می توان هویت دینی نامید. قوام هستی و شخصیت به معناداری زندگی است. هویت دینی امری عقلانی و عاطفی است و تفسیری سنجیده و قانع کننده از شخصیت و ابعاد آن، هستی و معنای زندگی است (گیدنز، به نقل از ویسی، ۱۳۸۸).

یکی از حوزه هایی که مفهوم هویت، به شکل جدی می تواند در آن در نظر گرفته شود، ادبیات است. ادبیات هر کشور در بردارنده ی میراث فرهنگی آن کشور است و گونه ای پیوند بین فرهنگ گذشته و حال را می تواند ایجاد کند. به بیانی، ادبیات، شناسنامه هویت هر ملت است که در سیر تاریخی به نگارش در آمده، از این رو در بردارنده ی عنصرهای هویتی بسیاری است و می تواند در شکل دادن به هویت فعلی جامعه، اثرگذار باشد. ادبیات همواره با پرسش های مربوط به هویت سر و کار داشته است و اثرهای ادبی، گونه های الگوهای شکل گیری هویت به شکل پوشیده، ارائه شده اند. ادبیات، جز اینکه هویت را درونمایه خود ساخته، سهم مهمی در ساختن هویت خوانندگان خود داشته است (کالر، ۱۳۸۲). یکی از عرصه های ادبیات، داستان ها و شعرهای کودک است. با توجه به اثرپذیری کودکان از داستان و از طرفی نیروی پذیرندگی بالای آن ها در دوره ی کودکی، این داستان ها، می تواند در شکل گیری هویت کودکان مؤثر باشد. قصه ها با توجه به قدرت خارق العاده ای که در انتقال مفاهیم و اهداف مورد توجه فرد راوی دارند همیشه بهترین روش برای انتقال آموزه های تربیتی و اخلاقی قرار گرفته اند. اگر ما به گذشته بر گردیم و مکتب خانه ها و مدارس کهن را مورد بررسی قرار دهیم خواهیم دید روشی که برای انتقال محتوا و مواد آموزشی در نظر گرفته شده استفاده از روش و زبان قصه است. با توجه به اینکه کودکان به داستان و شعر علاقه زیادی دارند، این مسئله برای پژوهشگر مطرح گردید که ادبیات (داستان و شعر) در شکل گیری هویت (ملی- اسلامی) کودکان چه نقشی دارد؟

در این مقاله پژوهشگر به دنبال پاسخگویی به سؤالات زیر می باشد:

- داستان و قصه در دوره کودکی باید چه ویژگی هایی داشته باشد؟

- داستان و قصه بر شکل گیری هویت ملی (ایرانی - اسلامی) نقش دارد؟



اهمیت ادبیات دوره کودکی

« ادبیات کودکان ، مجموعه ای از نوشته ها و سروده ها و گفتارهایی است که از طرف بزرگسالان برای استفاده خردسالان فراهم آمده است» (هاشمی نسب ، ۱۳۷۱ : ۱۲) ، شعاری نژاد معتقد است که ادبیات کودکان شامل نوشته هایی است که با توجه به سطح ذوق و رشد کودکان ، برای مطالعه ی آزاد آنان توسط متخصصین فن تهیه و تدوین می گردد (شعاری نژاد ، ۱۳۸۴ : ۶۴). برخی دیگر از صاحب نظران این عرصه عقیده دارند که ادبیات کودک و نوجوان به آثار و نوشته هایی گفته می شود که در آنها نویسنده بر پایه ی یک خود جوشی درونی و بر اساس نیاز به منظور بیان تجربه یا برداشتی حقیقی برای مخاطبان ، دست به خلق آثار می زند (حکیمی و کاموسی، ۱۳۸۲).

ادبیات کودک می تواند با در نظر گرفتن حس کنجکاوی و روند رشد و نیازهای عاطفی و تخیلی مخاطب ، به آفرینش آثاری همت بگمارد که علاوه بر ارضای حس یافتن در مخاطب ، جنبه ی شادی ، هنری ، سرگرمی و تفریحی را در کنار آموزش غیر مستقیم برخی مفاهیم پایه در نظر بگیرد . بنابراین ، با جمع بندی تعاریف ارائه شده می توان گفت که : ادبیات کودک و نوجوان مجموعه آثاری است که با زبانی ساده و بیانی ادبی ، شیوا ، هنرمندانه و قابل فهم و با در نظر گرفتن جنبه های روان شناختی ، به منظور کمک به رشد و تعالی فکری و رفتاری کودک و نوجوان خلق می شود . از آن چه گفته شد نتیجه می گیریم که ادبیات کودک با رویکردی آگاهانه می تواند نگاهی هنرمندانه و ادبی به آفرینش آثار داشته باشد و با در نظر گرفتن جنبه های روان شناختی و اصول رشد، و توجه به این مهم که کودک یک می نیاتور کوچک شده از بزرگسال نیست ، به خوبی قادر خواهد بود جهانی بیکران برای مخاطبان خویش بیافریند . جهانی که در آن نه کودک محدود دیده می شود نه احساسات و تخیلات وی فراموش می گردد . ادبیات کودک به راحتی قادر است با در نظر گرفتن همهی شرایط سنی و روان شناختی ، نیازهای مخاطبانش را در نظر گرفته ، برآورده ساخته و به مرور، باورهای اجتماعی ، فرهنگی و دینی و ملی را به آنان باز خورد دهد و آنان را برای یک زندگی موفق اجتماعی آماده سازد ؛ زیرا کودکان و نوجوانان نیاز دارند مفاهیم اجتماعی و علمی مورد نظر روزانه خویش را فرا گیرند و دیدگاه خود را در این زمینه اصلاح کرده و کامل نمایند . به علاوه ، به ارزشهای اجتماعی ، دینی و ملی جامعه ی خود پی ببرند و حقوق و وظایف خویش را دقیقاً بشناسند و رعایت کنند تا به این وسیله بینش ها و گرایشهای علمی ، فرهنگی ، اجتماعی ، دینی ، ملی و اخلاقی خود را رشد و گسترش دهند (مرآتی، ۱۳۸۹).

شعر پر از حرکت ، موسیقی و تصاویری است که تخیل کودک را تحریک کرده و حس لذت جویی را در او ارضا می کند . شعر کودک باید از شرط مهم تخیل برخوردار باشد . دنیای کودکان سرشار از تخیل است ؛ فقط باید جست و جو کرد و آن ها را کشف نمود . در دنیای کودکان که سرشار از زیبایی است کدورتی وجود ندارد و اگر نیز باشد ، به سرعت پراکنده می شود . در دنیای آنها هر چیزی زبان دارد و حرف می زند و کودک نیز حرف آنان را می فهمد . آنان با ابرها گفت و گو می کنند ، ماه را می بوسند و به او سلام می کنند/ شعر کودک شعری است که با زبان و لحن و فضای خاص کودکانه ی خود ، پیامها و اهدافی را در متن دنبال می کند تا مخاطب با شکار آنها ، برای زندگی بهتر در آینده آماده گردد . آنچه که در این راستا مهم است و نباید از نظر شاعر کودک دور بماند ، نحوه ی پیام رسانی در شعر است «در شعر کودک هدفها و پیامها باید به گونه ای گنجانده شود که به راحتی بر دل و جان کودک اثر بگذارد، اثری که دیرپا باشد، زیرا آدمی تا پایان عمر با اثرات و پیامدهای مطالبی که

در کودکی آموخته، دست به گریبان است» (رحماندوست، ۱۳۷۸: ۱۱). شعر، زبان شادی‌ها، غم‌ها، آرزوها، آمل و نفرت هاست. شعر وسیله‌ی تفریح و سرگرمی و به شادی گذراندن اوقات فراغت است. زبان هم‌دردی، هم‌زبانی و هم‌آهنگی است. همه‌ی کودکان به طور فطری شعر را دوست دارند و از آن لذت می‌برند. شعر در کودک اثرات شادی بخش و متفاوتی دارد. اولین واکنش کودکان به شعر، شادی و لذت است. برای کودک امروز که به وسیله‌ی دیوارهای صوتی و تصویری تلویزیون و دنیای مجازی اینترنت و بازی‌های رایانه‌ای محصور شده است، شعر سفر عاطفی بسیار جالبی است که در آن رویاها و احساسهای خویش را باز می‌یابد و نشانه‌های غم و شادی و نفرت خویش را می‌بیند. یک شعر خوب قادر است ضمن رعایت همه‌ی اصول خاص کودکانه اش، سمت و سوی عقلانی مناسبی به ذهنیت کودک ببخشد به تعبیری، «شعر کودک باید دارای مفاهیمی تازه بوده و به دنیای مخاطبانش نزدیک باشد. به آموزش مستقیم مفاهیم نپردازد و آنان را به عالم خلسه نبرد» (شعاری نژاد، ۱۳۸۴: ۱۷۲). در حقیقت شعر می‌تواند دریافت‌های تازه‌ای از جهان پیرامون به کودک نشان دهد و به آنان کمک کند تا از زاویه‌ی نو و با احساساتی عالی به جهان بنگرند. در واقع شعر، ارتباط کودکان را با جهان، عمیق‌تر، عاطفی‌تر و دلچسب‌تر می‌کند؛ زیرا در نتیجه‌ی آشنایی با شعر، کودکان به درکی از ظرافتهای جهان می‌رسند. شعر از بازی‌های لذت بخش با واژه‌ها آغاز می‌شود و به بیان فضاها و رویدادهای شگفت‌انگیز و طرح تلاشهای روزانه، از زاویه‌ی دیدی کاملاً تازه و شنیدنی می‌انجامد. شاعر کودک می‌تواند بر اساس تجربیات کودکان، بر ایشان خیال‌پردازی نماید؛ زیرا نمیتوان برای آنان از چیزی سخن گفت که آنان درباره اش تجربه‌ای ندارند یا این‌که آن فضا را درک نکرده باشند. خلاصه این‌که به نظر می‌رسد شعر بهتر است حساسیت کودکان نسبت به ارزشهای انسانی، اخلاقی و نیازها و احساسات دیگران را گسترش دهد و چشم آن‌ها را به وجود خود و دیگران بگشاید و ذهن آنان را با احساس هم‌دردی نسبت به سایرین آشنا سازد. بنابراین، شعر خوب، کودک و نوجوان را از یک فرهنگ مشترک با جامعه اش برخوردار می‌سازد. او با به خاطر سپردن صداها، قافیه‌ها و وزن‌های اشعار، به گنجینه‌ای عظیم از فرهنگ انسانی دست می‌یابد به وسیله‌ی شعر، کودکان از همان خردسالی می‌آموزند به کار و هدف‌های عالی زندگی احترام بگذارند. در حقیقت، شعر خوب بهترین وسیله‌ی آشنایی کودکان با زیبایی است. زیبایی صدا و آهنگ و زیبایی احساس و بیان. علاوه بر این، به کمک شعر می‌توان روحیه و احساسات لطیف کودکان را پرورش داد و متناسب با زمان و مکانی که در آن زیست می‌کند او را با جهان هستی و شگفتی‌های آن و هم‌چنین روابط درست انسانی و پرورش خلاقیت و زندگی درست آشنا ساخت.

مفهوم هویت

واژه هویت^۲ ریشه در زبان لاتین دارد. این لغت در سال (۱۶۴۴) میلادی از فرانسه‌ی میانه وارد زبان انگلیسی شده و صورت فرانسوی آن (identite) بوده است. تعریف هویت را برای اولین بار «اریکسون» (Erickson) ارائه نمود. وی هویت را در اصطلاح یک حس کلی درونی توصیف کرده است. (ادیب راد، ۱۳۸۶: ۱۸۴). از نظر وی هویت، جریان تلفیق تغییرات فردی و نیازهای اجتماعی برای آینده است. او تشکیل هویت را شامل به وجود آمدن یک احساس و شخصیت واحد می‌داند که شخص خود احساس می‌کند و دیگران نیز آن را تشخیص می‌دهند. اما سرآغاز رویکرد مدرن به هویت در پژوهشهای آکادمیک

² - identity



، به نظریات « ویلیام جیمز » (James William) درباره ی « خود » بر می گردد (دوران ، ۱۳۸۶ : ۸۸). بر اساس نظریات وی ، فهم « خود » شامل عقاید شخصی ، نگرشها و باورها درباره ی خویش است . برخی از این افکار و عقاید نیز درباره ی کیفیت های روان شناختی ، اجتماعی و زیستی است . برای مثال : من چگونه احساس می کنم ؟ من شبیه چه کسی هستم ؟ من در چه چیزهایی استعداد دارم ؟ « جیمز » در مجموع به این مقوله ها « من » می گوید . او درباره ی این موضوع نیز نظریاتی می دهد چگونه به مرور زمان تغییراتی روی می دهد و یا هنوز « من » باقی می ماند ؛ و چگونه فرد از دیگران متفاوت می شود و می تواند به شکلی مستقل عمل نماید . درباره ی هویت می توان گفت که هویت مجموعه ای از خصلت هاست که تعلق فرد را به گروه یا عقیده و یا جامعه ای خاص تبیین می کند .

هویت را مجموعه ای از ویژگی ها و عقاید و ارزشهایی دانست که علاوه بر متمایز ساختن فرد از سایرین ، او را در تعامل با جامعه کمک میکند . در حقیقت هویت سبب آگاهی فرد از خود و در نتیجه شناخت از جامعه و نهادهای اجتماعی میشود . این شناخت سبب میگردد تا وی ضمن کسب آگاهی لازم از تفاوت های خود با دیگران ، برای ایجاد ارتباطی سالم و همه جانبه با دیگران و جامعه ، در صدد شناخت سایر افراد نیز برآید و در این راستا بین خود و سایرین و جامعه نقطه نظرات مشترکی بیابد .

هویت ملی وقتی سخن از ما به عنوان یک فرد پیش می آید ، بحث هویت مطرح می گردد . مرز ما از دیگران به وسیله ی خطوط ترسیم شده ی هویت ما روشن می گردد ؛ و آن گاه که سخن از تعلق به وطن به میان می آید ، هویت ملی مطرح است . در حقیقت ، هویت ملی عام ترین و مشروع ترین نوع هویت است که هر شخص می تواند داشته باشد ، زیرا هویت فردی ، خانوادگی ، اجتماعی ، فرهنگی و دینی افراد در سایه ی اقتدار ملی و به کمک هویت ملی تثبیت می گردد . اگر افراد یک جامعه هویت ملی خویش را ببازند و یا مسخ شده ببینند ، سایر هویت های فردی و اجتماعی آنان نیز مسخ شده و تحت تاثیر هویت وارداتی قرار خواهد گرفت . به بیان دیگر ، از آن جا که شکل گیری هویت فردی ، اجتماعی و فرهنگی افراد جامعه در سایه ی هویت ملی صورت خواهد گرفت ، لذا عدم اقتدار ملی موجب تضعیف هویت های دیگر جامعه خواهد شد .

هویت ملی در حقیقت احساس تعلق و وفاداری به عناصر و نمادهای مشترک در اجتماع ملی و در میان مرزهای تعریف شده ی سیاسی است . مهم ترین عناصری که برخی از صاحب نظران معتقدند در حوزه ی هویت ملی سبب تمایز جوامع از همدیگر می شود عبارتند از « : سرزمین ، دین و آیین ، آداب و مناسک ، تاریخ ، زبان و ادبیات و مردم و دولت » به عقیده ی وی در درون یک اجتماع ، میزان وفاداری و تعلق هر یک از اعضا به عناصر و نمادهای مذکور ، شدت احساس هویت ملی آنان را مشخص می سازد (یوسفی، ۱۳۹۰).

هر یک از افراد جامعه از طریق محیطی که به آن تعلق دارد یا بدان رجوع می کند ، هویت خویش را شکل می دهد . بعد اجتماعی هویت ملی ناظر بر کیفیت روابط اجتماعی با نظام کلان اجتماعی است . در حقیقت اصل بعد اجتماعی هویت ملی ، وابسته به چگونگی ارتباط افراد است . هر چه ارتباط بین افراد در جامعه بر اساس شناخت و قانون مداری باشد ، به همان میزان درک متقابل نیز ارتقا یافته و جامعه از سلامت اجتماعی بیشتری برخوردار می شود . در حقیقت درک اجتماعی افراد یک جامعه



از سطح شعور اجتماعی آنان نشات می گیرد. لذا برخورداری شهروندان از درک و شعور اجتماعی بالا منجر به ایجاد آگاهیهای بیشتر اجتماعی و قانون مندی و امنیت اجتماعی میشود. از آن جا که افراد بشر، به صورت طبیعی و غریزی، به سوی منافع مورد قبول خود حرکت می کنند، آگاهی و شناخت از نیازهای متقابل و درک حقوق شهروندی و تعدیل خواسته های شخصی مطابق موازین و مصالح جامعه، تا حد زیادی به تقویت روابط و آگاهیهای اجتماعی آنان کمک خواهد کرد. از طرف دیگر، درک مسوولیت های اجتماعی مبتنی بر روابط صحیح انسانی مردم با هم و دیگر و دستگاه ای اجتماعی، سبب ایجاد نظم و انضباط اجتماعی نیز می گردد. انضباط اجتماعی یک هنجار اجتماعی است که برای تداوم زندگی جمعی و ایجاد نظم همگانی در جامعه پدید می آید. وجود انضباط اجتماعی موجب آرامش جامعه و محیط کار و در نتیجه افزایش بهره وری و پیشرفت می گردد. انضباط اجتماعی زمانی در جامعه به شکل مطلوب جلوه گر می شود که افراد جامعه احساس اجحاف نکنند و همگی حقوق شهروندان و نهادهای اجتماعی را محترم شمرده و رعایت نمایند. در واقع، انضباط اجتماعی برخاسته از باورها و ارزشهای اجتماعی هر جامعه و فرد است؛ باورها و

ارزشهای اجتماعی، از روابط و مناسبات اجتماعی نشات می گیرد. هر قدر روابط و مناسبات اجتماعی بر اصول انسانی و عدالت استوارتر باشد، انضباط اجتماعی نیز از سطح بالاتری برخوردار می شود.

رابطه ی آدمی و دین و نسبتی که با آن پیدا می کند، در مقوله ی هویت دینی قابل تبیین و توضیح است. آن چه که هویت دینی می تواند به مخاطب خود به ویژه نوجوان و جوان ببخشد، عبارت است از: قدرت پاسخ گویی به پرسشهای بنیادین، جهت دادن به زندگی، رویکرد مثبت به آینده، وحدت اعتقادی، مقبولیت اجتماعی، شان و منزلت جوانی و معنا بخشیدن به جهان است. در حقیقت هویت دینی یعنی این که شخص بداند چه دینی را انتخاب کرده و آن دین چه چیزی را از وی می خواهد که انجام دهد و یا ترک نماید. بنابراین، در تعریف دین می توان گفت که «: دین غایت حرکت آدمی را رفتن به سوی خدا و تکامل معنوی می داند» (اشرفی، ۱۳۸۰: ۸۰). در بحث هویت دینی، برخورداری از دین و تعالیم مذهبی مشترک در جامعه مورد توجه قرار می گیرد. هویت دینی در یک جامعه از یک سو شامل پای بندی افراد به جوهر دین و ارزش های دینی است و از سوی دیگر بیانگر دل بستگی جمعی و عمومی افراد یک جامعه به شاعر، مناسک و نهادهای دینی می باشد. هم چنین، دین شامل بعد عملی نیز می باشد که همانا مشارکت و تمایل عملی انسان به ظواهر آیین ها و مراسم مذهبی و دینی است. تکوین هویت دینی، احساس تعهد و مسوولیت در قبال ارزش ها و باورهای آن مکتب را در شخص تقویت می کند؛ تا جایی که تعهد، خود می تواند سنگ بنای هویت دینی گردد. به علاوه، داشتن دین و تعالیم مذهبی مشترک، پایبندی و وفاداری به آن، اعتقاد و تمایل به مناسک و آیین های فراگیر مذهبی، خود در روند شکل دهی به هویت ملی نیز موثر است؛ زیرا دین مشترک و مناسک خاص آن پیروان خود را به هم نزدیک تر نموده و در نهایت بنیان های دینی و ملی را نیز در آنان تقویت می سازد. امروزه و با وجود گسترش فرآیند توسعه و نوسازی در نگرش مردم جهان، مذهب هم چنان در تمامی ابعاد خود به عنوان منبع مهمی برای هویت و معنا بخشیدن در جهان آشفته به شمار می آید. هویت دینی و اهداف ایدئولوژیک در ذهن، تصویری ایجاد می کند که احساس فردی و جمعی هویت را در فرد تقویت می کند. ایدئولوژی به سوالات اساسی و مهمی که در تعارض با هویت پیش می آید به شکل ساده پاسخ می دهد. سوالاتی مانند «من کیستم؟» و «به کجا می روم؟».



ویژگیهای شعر کودکان نخستین دلیل توجه کودکان به شعر، بیشتر برای کسب لذت و سرگرمی است. شعر پر از حرکت، موسیقی و تصاویری است که تخیل کودک را تحریک کرده و حس لذت جویی را در او ارضا می کند. شعر کودک باید از شرط مهم تخیل برخوردار باشد. دنیای کودکان سرشار از تخیل است؛ فقط باید جست و جو کرد و آن ها را کشف نمود. در دنیای کودکان که سرشار از زیبایی است کدورتی وجود ندارد و اگر نیز باشد، به سرعت پراکنده می شود. در دنیای آنها هر چیزی زبان دارد و حرف می زند و کودک نیز حرف آنان را می فهمد. آنان با ابرها گفت و گو می کنند، ماه را می بوسند و به او سلام می کنند. شعر کودک شعری است که با زبان و لحن و فضای خاص کودکانه ی خود، پیامها و اهدافی را در متن دنبال می کند تا مخاطب با شکار آنها، برای زندگی بهتر در آینده آماده گردد. آنچه که در این راستا مهم است و نباید از نظر شاعر کودک دور بماند، نحوه ی پیام رسانی در شعر است. « در شعر کودک هدفها و پیامها باید به گونهای گنجانده شود که به راحتی بر دل و جان کودک اثر بگذارد. اثری که دیرپا باشد. زیرا آدمی تا پایان عمر با اثرات و پیامدهای مطالبی که در کودکی آموخته، دست به گریبان است » (رحماندوست، ۱۳۷۸).

نقش قصه و ادبیات بر شکل گیری هویت کودکان

شعر، زبان شادی ها، غم ها، آرزوها، آمال و نفرت هاست. شعر وسیله ی تفریح و سرگرمی و به شادی گذراندن اوقات فراغت است. زبان هم دردی، هم زبانی و هم آهنگی است. همه ی کودکان به طور فطری شعر را دوست دارند و از آن لذت می برند. شعر در کودک اثرات شادی بخش و متفاوتی دارد. اولین واکنش کودکان به شعر، شادی و لذت است. برای کودک امروز که به وسیله ی دیوارهای صوتی و تصویری تلویزیون و دنیای مجازی اینترنت و بازی های رایانه ای محصور شده است، شعر سفر عاطفی بسیار جالبی است که در آن رویاها و احساسهای خویش را باز می یابد و نشانه های غم و شادی و نفرت خویش را می بیند. یک شعر خوب قادر است ضمن رعایت همه ی اصول خاص کودکانه اش، سمت و سوی عقلانی مناسبی به ذهنیت کودک ببخشد به تعبیری، « شعر کودک باید دارای مفاهیمی تازه بوده و به دنیای مخاطبانش نزدیک باشد به آموزش مستقیم مفاهیم نپردازد و آنان را به عالم خلسه نبرد » (شعاری نژاد، ۱۳۸۴ : ۱۷۲). در حقیقت شعر می تواند دریافتهای تازه ای از جهان پیرامون به کودک نشان دهد و به آنان کمک کند تا از زاویه ی نو و با احساساتی عالی به جهان بنگرند. در واقع شعر، ارتباط کودکان را با جهان، عمیق تر و عاطفی تر و دلچسب تر می کند؛ زیرا در نتیجه ی آشنایی با شعر، کودکان به درکی از ظرافتهای جهان می رسند. شعر از بازی های لذت بخش با واژه ها آغاز می شود و به بیان فضاها و رویدادهای شگفت انگیز و طرح تلاشهای روزانه، از زاویه ی دیدی کاملا تازه و شنیدنی می انجامد. شاعر کودک می تواند براساس تجربیات کودکان، بر ایشان خیال پردازی نماید؛ زیرا نمیتوان برای آنان از چیزی سخن گفت که آنان درباره اش تجربه ای ندارند یا این که آن فضا را درک نکرده باشند. خلاصه این که به نظر می رسد شعر بهتر است حساسیت کودکان نسبت به ارزشهای انسانی، اخلاقی و نیازها و احساسات دیگران را گسترش دهد و چشم آن ها را به وجود خود و دیگران بگشاید و ذهن آنان را با احساس هم دردی نسبت به سایرین آشنا سازد. بنابراین، شعر خوب، کودک و نوجوان را از یک فرهنگ مشترک با جامعه اش برخوردار می سازد. او با به خاطر سپردن صداها، قافیه ها و وزن های اشعار، به گنجینه های عظیم از فرهنگ انسانی دست می یابد. به وسیله ی شعر، کودکان از همان خردسالی می آموزند به کار و هدف های عالی زندگی احترام بگذارند. در حقیقت، شعر خوب



بهترین وسیله ی آشنایی کودکان با زیبایی است . زیبایی صدا و آهنگ و زیبایی احساس و بیان . علاوه بر این ، به کمک شعر می توان روحیه و احساسات لطیف کودکانه را پرورش داد و متناسب با زمان و مکانی که در آن زیست می کند او را با جهان هستی و شگفتی های آن و هم چنین روابط درست انسانی و پرورش خلاقیت و زندگی درست آشنا ساخت (به نقل از مرآتی، ۱۳۸۹).

«ادبیات کودکان ابتدا ادبیات است با تمام ویژگی هایی که در آن نقد ادبی را می توان مورد توجه قرار داد، یعنی خلاق است و عمیق و از جوهر ادبی و ساختار هنری برخوردار است و در عین حال با نیازها، علایق، توانایی ها و حوزه تجربه های کودکان و نوجوانان در ارتباط است. در بررسی کلی ادبیات کودکان شامل ادبیات کهن یا زیر مجموعه فابل و متل، قصه قومی، اسطوره، قصه پهلوانی، حماسی و لالایی ها و ترانه ها شناخته می شود و ادبیات معاصر که شامل افسانه نو و فانتزی، داستان های واقعی، شعر و ادبیات مستند است که حوزه های علوم و علوم اجتماعی، فلسفه و دین، زندگینامه، بازی و سرگرمی و هنر را پوشش می دهد.» (قزل ایاغ، ۱۳۹۳: ۵۸).

« ادبیات کودک، مجموعه کتاب های آموزشی، آفرینش های کلامی و تصویری هنرمندانه هر قوم است که در خور توانمندی های ذهنی و روانی کودکان و نوجوانان و سازگار با علاقه و نیازهای آنان و بر پایه ی فرهنگ ملی و مذهبی هر قوم و ملت آفریده می شود.» (نعمت الهی، ۱۳۹۳: ۳۷).

ادبیات غیر رسمی و سنتی کودکان در ایران عمری به درازای پیدایش اولین کودک و مادر دارد. زمانی که اولین مادر، نخستین کودک خود را با لالایی های شیرین در خواب کرد اولین گونه ادبیات کودک نیز زاده شد. وقتی مادر درد دل ها، شکوه ها، و آرزوهای خود را از زبان خویش برای کودکش خواند و کودک بی توجه به معنا و مفهوم آن در سایه آهنگ شیرین و دلنواز آن پلک بر هم نهاد. ادبیات کودک هر چند خام و ناپخته، ابراز وجود کرد. کم کم و خیلی دیر پا گرفت فراز و نشیب ها را طی کرد رشد کرد بالید و رسید تا به امروز که حالا به عنوان شاخه ای مستقل در دانشگاه ها تدریس می شود. قشرهای مختلفی از متخصصان تعلیم و تربیت گرفته تا روانشناسان و جامعه شناسان به پژوهش در مورد آن می پردازند. (سحری، ۱۳۸۹: ۱۵). خانم توران میرهادی در قسمتی از سخنرانی خود که در نمایشگاه سه روزه کتاب در دانشکده هنرهای زیبای دانشگاه تهران در شهریور ۱۳۳۶ ایراد نموده گفته است: امروز نویسندگان بزرگ دنیا نوشتن برای کودکان را کاری دشوارتر از نوشتن برای عموم می دانند و لذا به سخن سرایانی که در این زمینه پیشقدم شده اند با دیده احترام و تحسین خاصی می نگرند و از لطافت و سادگی و سبک نگارش و از قوه تخیل و تصور ایشان الهام می گیرند نوشتن برای اطفال نه تنها از ارزش ادبی و هنری نمی کاهد بلکه بر آن می افزاید. (محمدی؛ ۱۳۸۱، به نقل از سحری، ۱۳۸۹: ۱۵).

اهداف ادبیات کودکان را می توان در این موارد خلاصه کرد: «برانگیختن ذوق و علاقه در کودکان، آشنایی با مسائل گوناگون زندگی، سودبخشی اوقات فراغت، شکوفایی استعداد های ذهنی، آشنایی با جهان و فرهنگ های مختلف، آماده کردن کودک برای شناخت، دوست داشتن و ساختن محیط، شناساندن کودک به خویشتن، ایجاد احترام به اصالت انسانی، میل به اعتلای مداوم و ایجاد عادت مطالعه.» (شعاری نژاد، ۱۳۸۶: ۲۹). ادبیات کودکان رسالتی فراتر از آموزش دارد و به دلیل ماهیت خود مفاهیم و ارزشهای انسانی را به طور ضمنی بازگو می کند و به مخاطب فرصت اندیشیدن و تفکر درباره متن را می دهد. هدف آن پرورش فکر، ذوق و عواطف و توانمندی های کودکان و دادن سرگرمی است. (میرهادی؛ ۱۳۶۲: به نقل از سلطانی، ۱۳۸۵: ۹). ادبیات کودکان



نقش بسیار مهمی در شکل گیری هویت ملی و اسلامی کودکان دارند، قصه ها و شعرهایی که در کتاب ها به صورت رسمی برای کودکان نوشته شده است و آنهایی که خانواده ها برای آنها نقل می کنند در شکل گیری هویت آنان نقش مهمی دارد.

قصه دارای اهدافی می باشد اما از زمان های دور تا به حال مهمترین هدف قصه را سرگرمی و پرکردن اوقات فراغت کودک و نوجوان می دانند. بعدها علاوه بر این یکسری اهداف مهم دیگری را به آن افزودند: « ارضای حس کنجکاوی بچه های خانواده - پرواز دادن قدرت تخیل کودکان - گسترش دامنه ی معلومات مخاطبان - انتقال تجارب ملموس زندگی به کودکان و نوجوان - آشنایی با صفات پسندیده و ارزشمند و نفرت از کارهای ناپسند - تقویت ایمان قلبی ایشان - بیان ضعف های اخلاقی در قالب داستان و قصه - تلقین احساس لذت از پیروزی لاقل در عالم تخیل و داستان - قصه گویی شیوه آموزشی بسیار خوبی است که از گذشته های دور در اجتماع به کار گرفته شده است.» (پشت دار، ۱۳۹۰: ۷۴).

یک قصه خوب باید بتواند:

- تخیل ابداعی کودک را به طور سالم و سودمند به کار اندازد.
- او را واقع بین بار آورد و معتقدش سازد که در آفرینش او و طبیعت حکمتی وجود داشته است.
- نیاز به یکتا پرستی و اعتقاد به نبوت و معاد را در او زنده و بیدار سازد.
- احساس مسولیت را در کودک برانگیزد.
- در او اعتماد به نفس ایجاد کند.
- راست گویی، عدالت، نیکوکاری و مفاهیم انسانی را به او بیاموزد.
- کنجکاوی او را بر انگیزد و آن را ارضا نماید.
- ارزش و اهمیت اجتماع و زندگی اجتماعی را به او بیاموزد.
- در کودک احساس زندگی و شادی ایجاد کند.
- او را به گوشه نشینی و صرف نظر از حقوق مسلم خود وادار نکند.
- احساس تعجب و تحسین او را برانگیزد.
- ذوق هنری او را تحریک کند.
- به خود شناسی و خود پذیری کودک کمک کند.
- فرهنگ و آداب و رسوم ایرانی و اسلامی را به او منتقل کند.
- به تربیت، نیروی بیان و تکلم کودک کمک کند.



- عادت خوب گوش دادن و تمرکز دادن به اندیشه را در او تقویت نماید.

- بین کودک و جهان خارج ارتباط برقرار سازد (به نقل از پولادری، ۱۳۹۵).

آنچه که در ادبیات کودک به طور نمایان و برجسته دارای اهمیت بسیاری است شامل قصه‌هایی است که با روایات کودکان هم‌خوانی دارد و از گذشتگان برای ما باقی مانده است. در زمان‌های گذشته پدران و مادران و افراد کهنسال فامیل برای انتقال تجربیات خود و گذشتگانشان قصه‌ها را برای کودکانشان بازگو می‌کردند. آنان ضمن سرگرم کردن کودکان از این طریق به آموزش آنها و آشنا کردن آنها به خوب و بد می‌پرداختند. آنها قصه‌هایی را با اهداف مختلفی همچون تقویت ایمان قلبی کودکان، آشنا کردن آنها با صفات پسندیده و ارزشمند و نفرت از کارهای نادرست و تلقین احساس نفرت به بدی در آنها بازگو می‌کردند. قصه‌ها ابتدا از روستایی به روستای دیگر، از شهری به شهر دیگر و سرانجام از کشوری به کشور دیگر منتقل می‌شدند و در مسیر انتقال یکسری تغییرات در آنها به وجود می‌آمد. بعدها و با پیشرفت علم و توجه کردن به نیازها و علایق کودکان و برای ایجاد لذت در یادگیری کودکان روان تحلیل‌گیران و روانشناسان زیادی به نقش و اهمیت قصه در مسیر زندگی کودکان و نوجوانان پی بردند. امروزه تحقیقات علم روانشناسی ثابت کرده است، قصه‌درمانی می‌تواند به حل مشکلات یادگیری، اختلالات رفتاری، کاهش افسردگی، رشد اخلاقی و موفقیت کودک، شکل‌گیری هویت ملی (فرهنگی، اجتماعی، مذهبی و...) کمک کند و در زندگی او نقش بسیار مهمی داشته باشد. کتابهای زیادی هم در این زمینه به چاپ رسیده و نویسندگان بسیاری به نوشتن قصه برای کودکان و نوجوانان روی آورده و دسته‌بندی قصه‌ها به انواع گوناگون صورت گرفته است (به نقل از پولادری، ۱۳۹۵).

بحث و نتیجه گیری

هدف کلی این پژوهش بررسی نقش ادبیات (قصه و شعر) در شکل‌گیری و تثبیت هویت ایرانی کودکان می‌باشد. پژوهشگر با مطالعه اسنادی و پژوهش‌های انجام شده در این حیطه به پاسخگویی به بررسی موضوع تحقیق و پاسخگویی سوالات تحقیق پرداخت. نتایج تحقیق به طور کلی نشان داد که ادبیات (قصه و شعر) در شکل‌گیری و تثبیت هویت ملی کودکان نقش مهمی دارد. قصه و داستان، موجب پرورش اصول اخلاقی، شناخت زاد بوم خویش، تحریک انگیزه بهینه برای یادگیری بهتر، اجتناب از مواجهه صادقانه با مسائل تنش‌زای بالقوه، فراهم کردن زمینه‌ی مناسب برای خیال‌پردازی و رشد قوه تخیل فراگیران، جلب توجه احساسات فراگیر و تقویت قوه خلاقیت، هوش و حافظه می‌گردد. با توجه به این که یکی از منابع‌هایی که بر آموزش و پرورش کودکان تاثیر به‌سزایی دارد، کتاب‌های درسی است؛ لازم است که قصه‌هایی که در کتاب‌ها می‌آید شامل متن‌ها، تصویرها، آگاهی‌های لازم در زمینه تثبیت هویت ملی و اسلامی برای دانش‌آموزان فراهم آورد، بنابراین باید در این داستان‌ها به مؤلفه‌های هویت ملی توجه گردد.

هویت ملی و دینی به عنوان یک عنصر مهم در شخصیت‌بخشی به کودکان می‌باشد، باید از ظرفیت‌های داستان‌ها و شعرها در این امر کمک گرفت. برای پرورش دیدگاه تاریخی، فرهنگی، سیاسی و اجتماعی، می‌توان از مهارت‌ها و وسایل مختلفی استفاده نمود که بخشی از این تربیت‌پذیری از راه القای مستقیم یا غیرمستقیم مانند خواندن داستان اتفاق می‌افتد. به کمک یک داستان یا شعر خوب به راحتی می‌تواند ابعاد مختلف هویت را به مخاطب بشناسد و او را در جهت یافتن هویت درست یاری نماید.



عاطفه و دوستی و مهرورزی و اتحاد که از عوامل مهم تقویت کننده بعد اجتماعی هویت ملی است در اشعار کودکان می توان به آن پرداخت. با مضامین مختلف و یا صحنه سازی های مناسب و تصویر پردازی های هنری و متنوع به شیوه های مختلف در داستان ها می توان به تبیین جایگاه بعد اجتماعی هویت ملی پرداخته شود. از آن جا که دوست یابی و محبت و اتحاد و یکدلی از مهمترین دغدغه های نسل کودک است که در زندگی روزمره ی آنان نیز بسیار به چشم می خورد و در روند اجتماعی شدن آنها نیز نقش بسزایی دارد ، لذا شاعران و نویسندگان حوزه ادبیات کودک باید بر این معیارها تاکید بیشتری نمایند.

در داستان ها و اشعار باید به اسطوره های مذهبی، اعیاد و مراسم های مذهبی توجه نمایند در این حوزه نویسنده به کمک تعالیم دینی و با بهره گیری از وقایع و داستان های تاریخی به جا مانده از زندگی پیامبر و ائمه اطهار و برخی از زمینه های دینی مانند ظهور، مرگ و قیامت به تصویرسازی بپردازند. شاعران حوزه کودک باید با بهره گیری از طبیعت و با برشمردن پدیده های خلقت به بزرگی خداوند اشاره نمایند. شاعران می توانند با زبان ساده مفاهیم و مضامین آیات را در قالب شعر به کودکان بیاموزند. با بهره گیری از زبان شیرین و تاثیرگذار قصه می توان آیات و روایات قرآن را به کودکان ارائه نمود آنها را با فرهنگ غنی قرآنی آشنا ساخت. سیره ی ائمه (ع) احادیث و سخنان آنان، پیام ها و داستان ها و حکایت های قرآنی باید در داستان ها و اشعار مورد توجه قرار گیرد و با استفاده از قدرت خلاقیت، قصه ها و اشعاری برای کودکان خلق گردد تا هویت دینی آنان تثبیت گردد؛ زیرا نسل امروز بیش از هر زمان دیگری احتیاج به دین شناسی و دین باوری دارد؛ زیرا رسانه های مختلف، فضاهای مجازی، آنان را به شدت احاطه کرده است، بنابراین وظیفه اهل قلم بسیار خطیرتر و ظریف تر است. دوره کودکی مهم ترین دوره برای شکل گیری و تثبیت هویت فرد می باشد بنابراین با توجه به ویژگی های این دوره می توان از زبان شیرین و اثرگذار قصه و شعر برای این مهم استفاده کرد.

کودکان امروز جامعه ی ما به جهت دسترسی بیشتر به شبکه های ارتباطی گسترده ، دارای ویژگی های متفاوتی با نسل های گذشته است . یکی از مهم ترین تفاوت های موجود در نسل در حال رشد ، وجود عنصر عقلانیت است که نسبت به نسل های پیشین از قوت بیشتری برخوردار می باشد . در حقیقت ، فرزندان امروزی به مسائل پیرامون خود حسابگرانه تر از گذشته نگاه می کنند . آنان به جهت برخورداری از اطلاعات به روز ، در ذهن خود سوالات متعددی را مرور می کنند که انتظار دارند بزرگ ترها و به ویژه متولیان امور فرهنگی جامعه به آن ها جوابهایی منطقی ، قانع کننده و به دور از احساسات دهند . نسل امروزی جامعه ی ما برای آن که مانند نسل های گذشته ضمن پیمودن مدارج پیشرفت و تعالی ، پای بند به اصول دینی و هویت ملی خود باشد ، نیازمند برنامه ریزی های منظم و دقیقی است تا بتواند در جامعه ای که انفجار اطلاعاتی در آن به وقوع پیوسته ، جواب درستی برای سوالات خود بیابد . به نظر می رسد در این راستا بر همه ی مسوولین امر فرض است تا با ایجاد فضایی سرشار از نشاط و آرامش و با بهره گیری از قدرت رسانه، از کلیپ ها، بازی های آموزشی، انمیشن ها و داستان ها در قالب فیلم های کوتاه و ... بهره بگیرند.

نویسندگان باید در قصه ها و اشعار در شعر های خود با در نظر گرفتن فرهنگ و سنن مناطق مختلف کشور به اشاعه ی ابعاد هویت ملی بپردازند. با توجه به تهاجم فرهنگی بیگانگان در کشور ما توجه بیشتر به معرفی عناصر فرهنگ ملی جهت تقویت بنیان های فکری کودکان و جلب توجه بیشتر آنان به نقاط قوت فرهنگ ملی ضروری است. همچنین ساخت بازی های رایانه ای با



تاکید بر شخصیت های بزرگ و تاثیر گذرا کشور در دوره های مختلف تاریخی، در شکل گیری و تثبیت هویت ملی می تواند مهم باشد.

با توجه به نتایج تحقیق های انجام گرفته در زمینه نقش ادبیات (قصه، شعر و ..) کودک در شکل گیری هویت ملی، می توان به این نتیجه رسید که ادبیات کودک در عرصه آگاهی بخشیدن به کودکان در حوزه هویت ملی و دینی آن گونه که شایسته است، موفق نبوده است. بررسی شعر و قصه های مطرح شده در ادبیات کودکان بیانگر این است که بیشتر داستان ها و شعر ها در مورد وقایع انقلاب بوده است، ولی در مورد پیشینه و تاریخ گذشته های ایران کمتر می پردازد. حس وطن دوستی، ایمان، ظلم ستیزی، احترام گذاشتن به بزرگسالان و عقاید و باورهای افراد دیگر و... باید دست مایه مناسبی برای شاعرات و نویسندگانی باشد که دغدغه هویت ملی و دینی دارند.

منابع

- ادیب راد، نسرین (۱۳۸۶). ابعاد روان شناختی هویت جنسی و هویت فرهنگی. «مجموعه مقالات «هویت و بحران هویت». تهران: پژوهشگاه علوم انسانی، فرهنگ و مطالعات اجتماعی جهاد دانشگاهی - سازمان انتشارات جهاد دانشگاهی.
- تاجیک، محمد رضا. (۱۳۸۷) «فرهنگ و هویت ایرانی، فرصت ها و چالش ها». «فصلنامه مطالعات ملی، سال اول، شماره ۴، تابستان ۱۳۷۹.
- اشرفی، اکبر (۱۳۸۰) «هویت فرهنگی در عصر مشروطه» نامه پژوهش. شماره ۲۲، ۲۳ پاییز و زمستان ۱۳۸۰.
- پشت دار، محمدعلی (۱۳۹۰). **قصه گوئی و نمایش خلاق**. تهران: دانشگاه پیام نور.
- پولادری، مریم (۱۳۹۵). طراحی برنامه درسی مبتنی بر قصه در دوره ابتدایی. پایان نامه کارشناسی ارشد رشته برنامه ریزی درسی دانشگاه خوارزمی.
- حکیمی، محمود و مهدی کاموسی (۱۳۸۴). مبانی ادبیات کودک و نوجوان. چاپ دوم. تهران: آرون
- دادستان، پریخ. (۱۳۸۸). **ارزیابی شخصیت کودکان**. تهران: انتشارات رشد.
- ذاکری، مختار؛ شمشیری، بابک (۱۳۹۴). بررسی مفهوم هویت در مجموعه داستان های قصه های شیرین مغزدار و قصه بازی شادی. مجله علمی پژوهشی مطالعات ادبیات کودک دانشگاه شیراز. سال ششم. شماره ۱ سوم. بهار و تابستان ۹۴.
- رجایی، فرهنگ (۱۳۸۵). **مشکله ی هویت ایرانیان امروز**. تهران: نی.
- رحماندوست، مصطفی. (۱۳۷۰). **بهار اینجاست**. تهران: همکلاسی.



سحری، رباب (۱۳۸۹). بررسی ممیزات ادبیات کودک و نقد سی داستان بعد از مشروطه. پایان نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه تربیت معلم آذربایجان.

شعاری نژاد، علی اکبر. (۱۳۸۴). روان شناسی رشد. تهران: اطلاعات.

قرن ایاغ، ثریا (۱۳۹۳). ادبیات کودکان و نوجوانان و ترویج خواندن. تهران: سمت.

کاردان، علی محمد (۱۳۸۱). سیر آراء تربیتی غرب. تهران: سمت.

کالر، جانانان (۱۳۸۲). معرفی بسیار مختصر نظریه ی ادبی. ترجمه ی فرزانه طاهری، تهران: مرکز.

محمدی، محمدهادی (۱۳۸۴). تاریخ ادبیات کودکان ایران - ادبیات کودکان در روزگار نو. تهران: چیستا.

مرآتی، ابوالفضل (۱۳۸۹). بررسی جایگاه هویت ملی و دینی در شعر کودک و نوجوان. پایان نامه کارشناسی ارشد. رشته زبان و ادبیات فارسی. دانشگاه پیام نور قزوین.

نعمت‌الهی، فرامرز (۱۳۹۳). ادبیات کودک و نوجوان (شناسایی، ارزشیابی، ارزشگذاری). تهران: مدرسه.

هاشمی نسب، صدیقه (۱۳۷۱). کودکان و ادبیات رسمی ایران. تهران: سروش.

ویسی، رضا (۱۳۸۸). دین، هویت دینی و رویکردهای دینی در میان نسل جوان، در (میرمحمدگفتارهای ی، گردآورنده) گفتارهایی درباره هویت ملی در ایران، تهران، موسسات مطالعات ملی، تمدن ایران.

یوسفی، علی (۱۳۸۰). روابط بین قومی و تاثیر آن بر هویت ملی اقوام در ایران. فصلنامه مطالعات ملی، شماره ۸.

Raymond, S. (2008). Digital Storytelling in the Classroom: New Media Pathways to Literacy, Learning, and Creativity. *Computers and Composition*, 25(4), 449-452.